

تکمیل مجازات با تغسیل میت؛ نقدی بر یک دادنامه

احسان سلیمی قلعه‌ئی⁻

چکیده

جرم عدم رعایت حجاب شرعی موضوع تبصره ماده ۶۳۸ از جرائم مباحثه برانگیز در نظام حقوقی ایران است که به جهت ناکارآمدی مجازات فعلی در دستور اصلاح و تغییر نیز قرار دارد. در یک دادنامه صادره از دادگاه کیفری ۲ ورامین، مرتکب این بزه علاوه بر مجازات اصلی، از باب مجازات تکمیلی، به تغسیل میت محکوم شده است. نوشتار حاضر متکفل نقد و بررسی این دادنامه از جهات شکلی و ماهوی است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که علاوه بر برخی ایرادات شکلی نظیر «بی‌توجهی به اصل قانونی بودن مجازات»، «عدم توجه به رضایت متهم»، «استناد ناتمام به مواد قانونی» و ... دادنامه واجد یک ایراد ماهوی قابل توجه یعنی عدم توجه به قاعده «حرمت تنفیر از دین» است. با این همه اهتمام دادرس به فلسفه جرم‌انگاری و تلاش برای یافتن مجازاتی متناظر با علت جرم‌انگاری، هرچند ناقص لکن قابل دفاع است.

واژگان کلیدی: عوام‌گرایی کیفری، رسانه‌ای شدن جرم، حرمت تنفیر از دین، هدفمندسازی مجازات.

⁻ استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه مراغه، مراغه آذربایجان شرقی.

مقدمه

امروزه، حساسیت بالای افکار عمومی جامعه ایران اسلامی نسبت به مقوله حجاب مشهود است. از این روست که اغلب رخدادهای مرتبط با رفتار مجرمانه «عدم رعایت حجاب شرعی» موضوع تبصره ماده ۶۳۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی به عنوان سوژه جذاب رسانه‌ای به سرعت مورد توجه رسانه‌های قرار می‌گیرد. باز نشر گسترده دادنامه شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری ۲ ورامین در خصوص «محکومیت شخصی از باب تبصره ماده ۶۳۸ به شستن میت» یکی از مصادیق این ادعاست که هجمه رسانه‌ای در مخالفت با این رأی، واکنش حقوق دانان مختلف را غالباً در نقد رأی در فضای رسانه‌ای در پی داشت. لکن در راستای ارزیابی منصفانه عملکرد دادگاه، نباید از نقایص قانونی و کیفر گذاری غیرمتناسب با جرم غفلت نمود. این نوشتار درصدد است پس از طرح ایرادات دادنامه، مجازات تکمیلی مباحثه برانگیز آن را از منظر الگوی کیفرگزینی هدفمند مورد بررسی قرار دهد.

متن دادنامه

«در خصوص گزارش مرجع انتظامی علیه متهم خانم ... فرزند ... دایر بر بی‌حجابی در انظار عمومی در حین رانندگی با وسیله نقلیه شخصی دادگاه با عنایت به گزارش مرجع انتظامی و متن پیامک‌های مکرر برای شاکی که حاکی از صحت آن گزارش بر توجه اتهام به متهم که در حین رانندگی با وسیله نقلیه شخصی و بدون حجاب شرعی در انظار عمومی تردد داشته و عدم توجه متهم به تذکرات مکرر از جهت رعایت حجاب شرعی به هنگام حضور در انظار عمومی و ایضاً اظهارات متهم در جلسه رسیدگی مبنی بر این‌که شاید در حین رانندگی روستی از سر او افتاده باشد اما انکار نسبت به عمدی بودن بزه انتسابی که انکار متهم از نظر محکمه بنابر مراتب فوق‌الذکر دفاعیات بلاوجه محسوب گردیده و نهایتاً اتهام معنونه علیه متهم محرز و مسلم بوده و استناداً به ماده ۳۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۴/۱۲/۹۲ و تبصره ماده ۶۳۸ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و تعرفه خدمات قضایی مصوب ۱۴۰۰ حکم به محکومیت متهم به پرداخت سی و یک میلیون ریال جزای نقدی بدل از دو ماه حبس تعزیری صادر و همچنین از جهت تکمیل مجازات تعزیری متهم، استناداً به بند «د» ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات مصوب ۱۳۹۹ مشارالیه را به مدت یک ماه به

شستن میت به عنوان خدمات عمومی در غسالخانه شهرستان تهران محکوم و اعلام می‌گردد آراء استان تهران حضوری بوده و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدید نظر در دادگاه تجدیدنظر می‌باشد.»

۱. نقد شکلی دادنامه

دادنامه صادره از شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری ۲ ورامین که مرتکب بزه عدم رعایت حجاب شرعی را نهایتاً به جزای نقدی به عنوان مجازات اصلی و شستن میت در غسالخانه به مدت یک ماه از باب مجازات تکمیلی محکوم نموده است، واجد برخی ایرادات شکلی غیرقابل تسامح نظیر «عدم رعایت اصل قانونی بودن مجازات»، «عدم توجه به رضایت متهم»، «استناد ناتمام به مواد قانونی» و «اعلام اشتباه عدم قطعیت رأی» است.

۱.۱. عدم رعایت اصل قانونی بودن مجازات

مطابق اصل قانونی بودن که در اصل ۳۶ قانون اساسی بازتاب یافته است هیچ مجازاتی نباید خارج از قانون باشد اطلاق و عموم این اصل شامل مجازات تکمیلی نیز می‌شود لذا با توجه به اینکه ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی که در مقام احصای خدمات عمومی برآمده است و ذکری از تغسیل میت به میان نیامده است اساساً تعیین چنین مجازاتی خلاف اصل قانونی بودن است.

۲.۱. عدم توجه به رضایت متهم

قطع نظر از اشکال نخست، الزام مرتکب به خدمات عمومی موضوع بند د ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مطابق ماده ۱۶ آیین‌نامه راجع به نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب می‌بایست بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی صورت گیرد که آیین‌نامه اخیرالذکر در بند ب ماده ۱ رضایت محکوم‌علیه را شرط لازم برای محکومیت به خدمات عمومی معرفی نموده است؛ همچنان که صدر ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی نیز در مقام تعریف خدمات عمومی رایگان به رضایت محکوم تصریح نموده است. این در حالی است که در دادنامه مذکور هیچ اشاره‌ای به رضایت محکوم نشده است لذا موضوع از دو فرض خارج نیست یا محکوم به مجازات شستن میت

رضایت داشته است لکن دادنامه خالی از اشاره به استدلال کافی برای وجود شرایط قانونی این مجازات است که در این صورت دادنامه مجمل و فاقد استدلال است و یا محکوم به موضوع رضایت نداشته و این مجازات بر وی تحمیل شده است که این فرض با عنایت به اشتباه دادرس در تعیین نوعی از خدمت عمومی که در آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ نیامده، محتمل‌تر است چه آن‌که ظاهراً دارس محترم التفاتی به آیین‌نامه مذکور و شرایط لازم مندرج در آن برای صدور حکم به خدمات عمومی نداشته است.

۳.۱. اعلام اشتباه عدم قطعیت رأی

نظر به این‌که جرم تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی از جمله جرائم درجه ۸ بوده که در همان مرحله بدوی قطعی و غیرقابل تجدیدنظرخواهی است اعلام دادگاه در خصوص قابلیت تجدیدنظرخواهی این دادنامه صحیح نیست. لازم به ذکر است که چون مبنای قابلیت تجدید نظر بودن یک دادنامه مطابق ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری درجه مجازات قانونی اصلی است مجازات تکمیلی مندرج در دادنامه تغییری در این موضوع ایجاد نمی‌نماید.

۲. نقد ماهوی دادنامه

بررسی ماهوی دادنامه نتایج جالب توجهی به دست می‌دهد از یک‌سو دادرس محترم به قاعده بنیادین منع تنفیر از دین توجه نداشته است و از سوی دیگر اهتمام دادگاه در راستای هدفمندسازی و متناسب‌سازی مجازات با جرم و گریز از کلیشه کیفرهای حبس و جزای نقدی مشهود است.

۱.۲. عدم اهتمام به قاعده حرمت تنفیر از دین

مطابق این قاعده هر عملی که انجام آن موجب بیزاری و گریز انسان‌ها از اسلام باشد باید مورد اجتناب قرار گیرد. مگر این‌که آن عمل به حدی مورد تأکید باشد که شارع تحت هیچ شرایطی راضی به ترک آن نباشد (نیکخو، ۱۳۹۲: ۵) در حقیقت به موجب قاعده فقهی «حرمت تنفیر از دین» اجرای احکام شریعت باید در بستر مقبولیت عمومی و در یک تعامل منطقی و معقول با جامعه و به ویژه لحاظ زمینه‌های فکری و فرهنگی آن اجرا شود تا مورد پذیرش قرار گیرد و هدف نهایی

دین که گشودن قلب‌هاست، حاصل شود. لذا ارتکاب هر عملی که مایه دین‌گریزی مردم شود حرام است. (نوبهار، ۱۳۸۴: ۱۳۳) بنابراین اجرای مجازات به ویژه مجازات تکمیلی نباید به قیمت ضربه به اسلام و تنفر جامعه مسلمان و غیرمسلمان از اسلام تمام شود. مروری بر نظرات مندرج در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد مجازات تکمیلی تغسیل میت برای مرتکب عدم رعایت حجاب شرعی، احساس ناخوشایندی حداقل در برخی نوجوانان ایجاد نموده است که مواضع معاون اول قوه قضائیه در روزهای پس از صدور رأی مؤید این نظر است.

۲.۲. اهتمام به هدفمندسازی کیفر

الگوی کیفرگزینی هدفمند، به مثابه الگوی نوین کیفردهی درصدد متناسب‌سازی نوع جرم با نوع مجازات است تا کیفر به عنوان واکنش رسمی به جرم بیشترین کارآمدی و تأثیر را داشته باشد در حقیقت در این الگو تأکید می‌شود به جای مجازات‌های کلیشه‌ای نظیر حبس و جزای نقدی و ... که رویه قضایی به آن عادت نموده است، با لحاظ فلسفه جرم‌انگاری، نوع جرم و شخصیت مرتکب مناسب‌ترین مجازات در دستور کار قرار گیرد. (حاجی ده آبادی، سلیمی، ۱۳۹۸: ۱۲۸) با همه ایرادات وارد بر رأی، نباید از اوضاع و احوال اجتماعی خاص زمان صدور رأی غفلت ورزید، توضیح آن که در این بازه زمانی در کنار حساسیت بالای افکار عمومی نسبت به موضوع حجاب، تلاش متصدیان دستگاه عدالت کیفری برای تدوین و تصویب قانون جدید در زمینه عفاف و حجاب در جریان است و این وضعیت خود گواه ناکارآمدی مجازات‌های قانونی و رویه قضایی مرسوم که بیشتر به جزای نقدی متوسل می‌شود است. لذا تلاش دادگاه در راستای رویه‌زدایی و دست‌یازیدن به ابتکار عمل در جهت کیفرگزینی هدفمند در خور توجه است و بیش از این نیست که انتخاب نوع مجازات تکمیلی باید با دقت بیشتری صورت می‌گرفت تا با مخالفت گسترده همراه نشود. توضیح آن که دادرس محترم در نظر داشته است که محکوم‌علیه را از مرگ و فانی بودن حیات دنیا به شرم‌سارسازی بازپذیرنده نائل سازد. اهتمامی مبارک که اشکالات شکلی وارد بر رأی را کمرنگ می‌سازد و اگر خدمت عمومی به جای غسالخانه در سرای سالمندان یا بیمارستان بود مطلوب دادگاه بدون تالی فاسد محقق می‌شد.

نکته دیگر که پرداختن به آن از باب اجتناب از ایراد ضروری به نظر می‌رسد آن است که این مجازات نسبت به مجازات‌های حبس و جزای نقدی و ... که از جهت تصریح مقنن یا عادت رویه مورد اعتراض دیگران و به ویژه رسانه‌ها قرار نمی‌گیرد در هر حال تناسب بیشتری با فلسفه جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب شرعی دارد لذا شایسته نیست که از عدم تناسب جرم و مجازات سخن گفت. فراتر از این رویکرد کلی دادگاه در راستای توجه به فلسفه بزه‌انگاری و یافتن مجازاتی متناسب با این فلسفه می‌بایست توسط مقنن مورد توجه قرار گیرد تا قانون را از کیفرهای کلیشه‌ای نظیر بس و جزای نقدی و ... پالایش نماید و در جهت هدفمندسازی مجازات، فلسفه جرم‌انگاری را مطمح‌نظر قرار دهد.



نتیجه گیری

در مقطع فعلی که به دلایل مختلف حساسیت افکار عمومی به موضوعات کیفری با صبغه شرعی نظیر عفت و حجاب بیش از گذشته است، اهتمام بیشتر دادبانان عدالت کیفری در صدور آرای سنجیده مورد انتظار است. دادنامه مورد بررسی در این نوشتار علاوه بر وجود برخی ایرادات شکلی، از حیث ماهوی نیز واجد یک ایراد مهم یعنی عدم توجه به قاعده منع تنفیر از دین است به ویژه آن که در مقطع فعلی حساسیت بالای افکار عمومی نسبت به مسئله حجاب و عفاف وجود دارد و علاوه بر این موضوعات مرتبط با حجاب و عفاف بیش از پیش مورد رصد عموم شهروندان قرار می گیرد سوءاستفاده رسانه های بیگانه از چنین موضوعاتی مشهود است. با این حال این دادنامه واجد یک تلاش و ابتکار عمل در راستای هدفمندسازی مجازات است که هرچند به آن نائل نشده است اما رویکرد کلی آن برای اعمال مجازاتی متناسب و متناظر با بزه به جای مجازات های کلیشه ای مرسوم قابل اقتباس است.

فهرست منابع

- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ سلیمی، احسان (۱۳۹۸)، مبانی، اصول و سازوکارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هدفمند. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۸ شماره ۲۹.
- نوبهار، رحیم (۱۳۸۴)، بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲.
- نیکخو، رامین (۱۳۹۲)، نقش قاعده تنفیر از دین در اجرای مجازات، پایان‌نامه دانشگاه قم، قم.

